



Reading Promotion as Ideology: The Reproduction of Power Relations in Book Reading Meetings by the Iran Public Libraries Foundation

Alireza Panahi Dodaran 

MSc in Information Science and Knowledge Studies, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: panahialireza77@ut.ac.ir

Mohammad Khandan 

*Corresponding author, Assistant Professor, Department of Information Science and Knowledge Management, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: khandan@ut.ac.ir

Majid Soleimani Sasani 

Assistant Professor, Department of Social Communication, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: msoleimani@ut.ac.ir

Abstract

Objective: This study aims to identify the ideological dimensions of reading promotion and to explore how subjectivity and practice are discursively and ideologically constructed in the "book reading meetings".

Methodology: The research method is discourse analysis. The data were extracted from 21 texts related to reading promotion in the "book reading meetings", which were purposively sampled. Data analysis was conducted in MaxQDA 2020, using Fairclough's tools for text and metatext analysis, in three levels: description, interpretation, and explanation.

Findings: The "presenter" subject is capable of identifying and accessing information, knows the methods to treat and prevent illness, and is familiar with the type of illness and the information required for the treatment and prevention of the "audience" subject. In contrast, the "audience" subject which is a potential or actual patient in need of treatment or prevention through information lacks the ability to identify relevant information, the nature of their illness, and the necessary information for treatment and prevention. As a result of the application of the "presentation" genre, the "presenter" subject positions themselves at a higher level than the "audience" subject, has control over the meeting process, and manages the flow of speech and turn-taking. The "presenter" subject is predominantly the speaker and conveys and introduces information to the "audience" subject. On the other hand, the "audience" subject occupies a lower position relative to the "presenter" subject, has limited control over the meeting process, is mostly a listener, and improves or gains immunity by receiving information about their illness.

Conclusion: Through the ideology of "reading promotion", the content of reading materials is represented as "information", whereas, in reality, the content of reading materials can contain both information and disinformation. The "presenter" subject is represented as the sole source of

information, and the "audience" subject lacks this information; consequently, the "presenter" subject exerts dominance over the "audience" subject. The historical possibilities of the "audience" subject are disregarded. The possibility of critical engagement for the "audience" subject is rendered impossible. The transmission of disinformation, control of information, and manipulation of the "audience" subject's thoughts for the reproduction of social relations based on domination are facilitated. The social cause of what is represented as a person's illness is concealed. Although acquiring information cannot significantly affect what is represented as the person's illness, it is portrayed as if the lack of information is the cause, and that receiving information will treat and prevent the illness.

Keywords: Discourse Analysis, book reading meetings, ideology, power relations, public libraries

Article type: Research

How to cite:

Panahi Dodaran, A., Khandan, M., & Soleimani Sasani, M. (2024). Reading Promotion as Ideology: The Reproduction of Power Relations in Book Reading Meetings by the Iran Public Libraries Foundation. *Library and Information Sciences*, 27(4), 107-129.

ARTICLE INFO

Article history:

Received: 14/11/2024

Received in revised form: 08/01/2025

Accepted: 19/01/2025

Available online: 08/03/2025

Publisher: Central Library of Astan Quds Razavi

Library and Information Sciences, 2024, Vol. 27, No.4, pp. 107-129.

© The author(s)



ترویج خواندن به مثابه ایدئولوژی: بازتولید مناسبات سلطه در نشست‌های کتابخوان نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور

علیرضا پناهی دودران 

کارشناسی ارشد مدیریت اطلاعات، گروه علم اطلاعات و مدیریت دانش، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: panahialireza77@ut.ac.ir

محمد خندان 

*نویسنده مسئول، استادیار، گروه علم اطلاعات و مدیریت دانش، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: khandan@ut.ac.ir

مجید سلیمانی ساسانی 

استادیار، گروه ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: msolaimani@ut.ac.ir

چکیده

هدف: مقصود پژوهش حاضر شناسایی سویه‌های ایدئولوژیک «ترویج خواندن» و مطالعه نحوه برساخت گفتمانی - ایدئولوژیکی سوژگی و کردار در «نشست‌های کتابخوان» است.

روش پژوهش: روش پژوهش تحلیل گفتمان است. داده‌های پژوهش از ۲۱ متن مرتبط با ترویج خواندن در «نشست‌های کتابخوان» که به طور هدفمند نمونه‌گیری شدند، استخراج شد. تحلیل داده‌ها به واسطه ابزارهای تحلیل متن و فرامتن رویکرد فرکلاف، در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، در نرم‌افزار مکس کیودا ۲ انجام شد.

یافته‌ها: سوژه «ارائه‌دهنده» در شناسایی و دستیابی به اطلاعات تواناست، راه درمان و پیشگیری بیماری‌ها را می‌شناسد، نوع بیماری و اطلاعات مورد نیاز برای درمان و پیشگیری سوژه «مخاطب» را می‌شناسد. در مقابل، سوژه «مخاطب» بیمار بالقوه یا بالفعلی است که نیازمند درمان یا پیشگیری با اطلاعات است، توان شناسایی اطلاعات، نوع بیماری خود و اطلاعات مورد نیاز برای درمان و پیشگیری را ندارد. در نتیجه به کارگیری گونه «ارائه»، سوژه «ارائه‌دهنده» در جایگاهی بالاتر از سوژه «مخاطب» قرار دارد، بر جریان سخن و نوبت‌گیری‌ها تسلط دارد، در بیشتر مواقع متکلم است و اطلاعات را به سوژه «مخاطب» منتقل و معرفی می‌کند. در مقابل، سوژه «مخاطب» در جایگاهی پایین‌تر از سوژه «ارائه‌دهنده» قرار دارد، کنترل زیادی بر جریان سخن و نوبت‌گیری‌ها ندارد، در بیشتر مواقع شنونده است و با دریافت اطلاعات بیماری‌اش بهبود یافته یا مصون می‌شود.

نتیجه‌گیری: ایدئولوژی «ترویج خواندن» زمینه انتقال دژ اطلاعات به سوژه «مخاطب»، کنترل خوراک اطلاعاتی وی و سلطه سوژه «ارائه‌دهنده» بر سوژه «مخاطب» را فراهم می‌کند، علت نابسامانی به نبود اطلاعات تقلیل پیدا کرده و مناسبات سلطه موجود در نظام اجتماعی، جلوه‌ای طبیعی به خود می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان، نشست‌های کتابخوان، ایدئولوژی، مناسبات سلطه، کتابخانه‌های عمومی

نوع مقاله: پژوهشی

استناد:

پناهی دودران، علیرضا؛ خندان، محمد؛ سلیمانی ساسانی، مجید (۱۴۰۳). ترویج خواندن به مثابه ایدئولوژی: بازتولید مناسبات سلطه در نشست‌های کتابخوان نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۲۷(۴)، ۱۰۷-۱۲۹.

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۲۴ تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۳۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

ناشر: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۴۰۳، دوره ۲۷، شماره ۴، شماره پیاپی ۱۰۸، صص. ۱۰۷-۱۲۹.

© نویسندگان



مقدمه

«نشست‌های کتابخوان» از جمله طرح‌های اجرا شده در نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور است. اجرای این طرح از سال ۱۳۹۴ آغاز شده و تا به امروز به طور گسترده‌ای در سطح کشور برگزار شده است. در سال ۱۴۰۲ بیش از ۷ هزار «نشست کتابخوان» در کتابخانه‌های عمومی وابسته به نهاد برگزار شده است (سامانه یکپارچه مدیریت کتابخانه‌های عمومی کشور، بی تا). در نتیجه گستردگی اجرای طرح، «نشست‌های کتابخوان» در شکل‌دهی به کردار^۱ خواندن جمعیت قابل توجهی از کاربران و مخاطبان کتابخانه‌های عمومی وابسته به نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور تأثیرگذار بوده است. هدف از برگزاری «نشست‌های کتابخوان» «ترویج خواندن» عنوان شده است (سند‌های ۱۳۹۴۰۵۱۳، ۱۳۹۴۱۲۱۱، ۱۳۹۴۱۰۰۹، ۱۳۹۵۰۱۱۵، ۱۳۹۷۱۰۲۵، ۱۴۰۰۹۱۸، ۱۴۰۱۰۲۱۱). «ترویج خواندن» یکی از کلیدواژه‌های پرتکرار «نشست‌های کتابخوان» است. به نوعی، «ترویج خواندن» در کلام برگزارکنندگان «نشست‌های کتابخوان»، گفتمان غالب است.

مبتنی بر نظریه گفتمان، در ذیل گفتمان‌ها سوژگی‌های مشخص شکل گرفته و همچنین، سوژه‌ها^۲ مجموعه‌ای از کردارهای سامان‌مند را به اجرا درمی‌آورند که مبتنی بر گفتمان‌ها شکل گرفته‌اند (جی^۳، ۲۰۱۴، ص. ۱۸۴). دو سوژه مروج خواندن و مخاطب ترویج در ذیل گفتمان «ترویج خواندن» در «نشست‌های کتابخوان»، قابل شناسایی هستند. این دو «جایگاه سوژگی»^۴ حامل مجموعه‌ای از کردارها هستند که توسط سوژه‌ها به اجرا درمی‌آیند. مجموعه این سوژگی‌ها و کردارها در ذیل یک نهاد، در اینجا نهاد کتابخانه، سامان می‌یابند (فرکلاف^۵، ۱۳۷۹، ص. ۴۶). برخی از گفتمان‌ها خصلت ایدئولوژیک دارند. گفتمان‌هایی که در خدمت سلطه^۶ باشند سوپه‌های ایدئولوژیک دارند و در نتیجه، کردارهای گفتمانی هم سوپه ایدئولوژیک می‌یابند (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص. ۱۱۱). هدف در پژوهش حاضر شناسایی سوپه‌های ایدئولوژیک گفتمان «ترویج خواندن» و شناسایی برساخت گفتمانی - ایدئولوژیک سوژگی و کردار در «نشست‌های کتابخوان» است.

شناسایی مختصات این گفتمان ایدئولوژیک، کردارهای گفتمانی شکل گرفته در ذیل ایدئولوژی «ترویج خواندن» و خصایص سوژگی‌های شکل گرفته می‌تواند دانش نظری جدیدی تولید کند که با برملا کردن ایدئولوژی منقادکننده سوژه‌های درگیر در «نشست‌های کتابخوان»، امکان مواجهه نقادانه با عناصر ایدئولوژیکی اعمال شده بر بدن و ذهن را برای مشارکت‌کنندگان «نشست‌های کتابخوان» فراهم کند؛ با برملا کردن نقش گفتمان ایدئولوژیک حاکم در شکل‌گیری کردارهایی مشخص در «نشست‌های کتابخوان»، امکان تجربه

1. practice
2. subjects
3. Gee, J. P.
4. subject position
5. Fairclough, N.
6. dominance

شیوه‌های متفاوت کردار برای مشارکت‌کنندگان «نشست‌های کتابخوان» فراهم می‌شود؛ با برملا کردن نقش گفتمان ایدئولوژیک حاکم در شکل‌گیری سوژگی‌های مشخص در «نشست‌های کتابخوان»، امکان تجربه سوژگی خودآیین‌تر برای مشارکت‌کنندگان «نشست‌های کتابخوان» فراهم می‌شود؛ با افزایش فهم از واقعیت موجود و مشکلات و امکان‌ها، به کنش معطوف به تغییر کمک کرده و می‌تواند در اتخاذ رویکردی رهایی‌بخش نسبت به طرح «نشست‌های کتابخوان» یاری‌رسان باشد.

نتایج پژوهش حاضر با روشن کردن ابعاد ایدئولوژیک گفتمان «ترویج خواندن» در «نشست‌های کتابخوان»، سیاستگذاران را در شناسایی گره‌گاه‌های ایدئولوژیک موجود در طرح حاضر یاری رسانده، به عنوان ابزاری جهت اصلاح و بهبود طرح حاضر قابل استفاده است، همچنین، موجب جلب توجه سیاستگذاران به گره‌گاه‌های ایدئولوژیک پیرامون «ترویج خواندن» شده و آنان را در سیاستگذاری و طراحی طرح‌های مشارکت‌جویانه و به دور از مناسبات سلطه در آینده، یاری می‌رساند. در نتیجه، مسئله پژوهش حاضر شناسایی مختصات ایدئولوژیک «ترویج خواندن» در «نشست‌های کتابخوان» است و مبتنی بر مسئله، پرسش اصلی پژوهش عبارت است از:

مختصات ایدئولوژیکی «ترویج خواندن» در «نشست‌های کتابخوان» چگونه است؟

پرسش اصلی، در دو ساحت سوژگی و کردار، در قالب دو پرسش فرعی زیر مطرح می‌شود:

برساخت گفتمانی - ایدئولوژیک سوژه مروج خواندن و مخاطب ترویج خواندن در «نشست‌های کتابخوان»

چگونه است؟

برساخت گفتمانی - ایدئولوژیک کردار سوژه مروج خواندن و مخاطب ترویج خواندن در «نشست‌های

کتابخوان» چگونه است؟

پیشینه پژوهش

در پیشینه‌های داخل کشور مطالعات اندکی درباره ایدئولوژی‌های خواندن و کردارها و سوژگی‌های مرتبط با خواندن انجام شده است. محبوب و دیگران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای، با استفاده از روش تحلیل گفتمان، گفتمان «بحران مطالعه» را مطالعه می‌کنند. بر اساس یافته‌های پژوهش، گفتمان «بحران مطالعه» از مشروطه آغاز می‌شود و در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی به اوج خود می‌رسد. سخنگویان اصلی گفتمان ناشران هستند. در این گفتمان با تکیه بر آمار «میزان نشر» و «میزان مطالعه» وضعیت خواندن را بحرانی نشان می‌دهند، خواننده با صفت خریدار بازنمایی می‌شود و خواندن به مثابه خواندن منابع علمی، تاریخی و ادبیات کلاسیک بازنمایی

می‌شود. در نتیجه این گفتمان، نهادهای سلبی برای کنترل و عدم اجازه ورود کتاب‌های بد به بازار و نهادهای ایجابی برای پشتیبانی از تولید کتاب‌های خوب در بازار، امکان ظهور می‌یابند.

شقاقی (۱۳۹۳) در مقاله خود، خواندن را به مثابه یکی از تکنولوژی‌های فرهنگی بدن مطالعه کرده است. پژوهشگر در این مقاله، نشان می‌دهد چگونه خواندن به عنوان یکی از ابزارهای تکنولوژی‌های خود در مدرنیته انضباطی، به واسطه «ترویج خواندن» در کتابخانه‌های عمومی، در خدمت هنجارمند و به قاعده کردن بدن سوژه‌ها، به کار گرفته می‌شود. در طی این فرایند، آزادی به طور پنهانی حذف شده و سوژه‌ها به واسطه غلبه گفتمان ایدئولوژیک، منقاد می‌شوند.

راس^۱ (۱۳۹۳) در مقاله‌ای، به دو استعاره بنیادین «خواندن نردبان است» و «خواندن خوردن است» در گفتمان کتابداران اواخر قرن نوزدهم میلادی دست می‌یابد. هر کدام از این استعاره‌ها مجموعه‌ای از سیاست‌ها، تولید سوژگی‌های خاص و کردارهای مشخص خواندن را موجب می‌شوند. در استعاره «خواندن نردبان است» کتابدار موظف است خواننده را از پله‌های پایین نردبان خواندن به سمت پله‌های بالاتر هدایت کند. خواننده در سلسله‌مراتبی مشخص به سمت تعالی، پیشرفت می‌کند. مبتنی بر استعاره «خواندن خوردن است»، برخی خوانندگان همه‌چیزخوارند، برخی از غذای محدودی برای روحشان تغذیه می‌کنند، برخی تمایلی به خواندن/ خوردن ندارند. از آنجا که خوردن مداوم یک ماده غذایی ثابت، حتی اگر بسیار مغذی باشد، زیان‌بار است، کتابدار مسئول تهیه انواع کتاب‌ها با طعم‌های مختلف، متناسب با انواع ذائقه‌هاست. مبتنی بر این ایده، کتابدار در تمیز کتاب فاسد و کتاب مغذی توانا است و می‌تواند کاربر را به سمت کتاب‌های مغذی‌تر هدایت کرده و از دسترسی به کتاب‌های فاسد جلوگیری کند.

فاضلی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای، نسبت کتاب و مدرنیته، جایگاه کتاب در ایران پیشامدرن، مدرن، و پسامدرن، و حال حاضر را با هدف بررسی کتاب در تاریخ معاصر ایران، با چشم‌اندازی تاریخی مطالعه می‌کند. بر اساس نتایج مقاله، گسترش کتاب در جامعه ایرانی با شهرنشینی، صنعتی شدن و به وجود آمدن برخی نهادهای اجتماعی نظیر مدرسه و نظام بروکراسی در نسبت است.

در پیشینه‌های خارج از کشور هم، لین^۲ (۲۰۲۱) مبتنی بر نظریه خودتعیینی، سه نیاز روان‌شناختی استقلال، شایستگی و ارتباط را به عنوان ابزاری برای ایجاد انگیزه خواندن در کودکان طبقات بالای اجتماعی در فنلاند قرون هفده و هجده میلادی مطالعه کرده است. در بخشی از این مقاله به تفاوت میان کردار خواندن در دختران و پسران اشاره شده است؛ دختران در انتخاب منابع خواندنی آزادی بیشتری داشتند، در مقابل

1. Ross, C. S.

2. Laine, T.

پسران باید بیشتر متناسب با شغل آینده خود مطالعه می‌کردند و فرصت کمتری برای مطالعه آزاد و با هدف لذت داشتند.

نیکلز^۱ و لو^۲ (۲۰۱۹) در مقاله خود، با اشاره به تغییر تعریف متن و افزایش کیفیت بصری متون، بازنمایی کردار خواندن در دوران جدید را متفاوت از بازنمایی کردار خواندن به مثابه فعالیتی منفرد و مسکوت پیش‌بینی می‌کنند. مبتنی بر نتایج پژوهش، گفتمان حاکم بر کلیپ‌آرت‌ها خواننده را فردی به تصویر می‌کشد که در تفرد مشغول صامت‌خوانی است اما در مقابل، گفتمان حاکم بر تصاویر مستند تصویر خواننده منفرد را به چالش می‌کشد و سوژه‌های خواننده را در محیط‌های عمومی و گروه‌های چندنفره نمایش می‌دهد.

تایپل^۳ (۲۰۱۵) در پژوهش خود، تفاوت تجلی‌های جسمی خواندن و نوشتن به وسیله منابع کاغذی و صفحات الکترونیکی را بررسی و تفاوت حالت‌ها و وضعیت‌های حاصل از این دو را مقایسه کرده است. جامعه مورد مطالعه این پژوهش ۲۵ تن از دانشجویان در دانشگاهی در فنلاند است. بر اساس نتایج این پژوهش خواندن و نوشتن به وسیله منابع چاپی نسبت به منابع دیجیتال، با وضعیت زندگی روزمره همخوانی بیشتری دارد. کردار در خواندن و نوشتن الکترونیکی محدودتر می‌شود. از طرفی، خواندن و نوشتن به وسیله منابع الکترونیکی موجب جدایی بیشتر بدن از منبع خواندنی می‌شود.

ماکینن^۴ (۲۰۱۵) در مقاله خود، مفهوم ملی‌گرایانه فنلاندی از «عشق به خواندن»^۵ را بررسی می‌کند. مبتنی بر نتایج پژوهش، در «ایدئولوژی فننومانیایی»^۶ خواندن در فنلاند قرن نوزده میلادی، بر عشق به خواندن به عنوان انگیزه‌ای فردی و وابسته به علاقه شخصی، بدون نیاز به اجبار بیرونی، تأکید می‌شود.

کیلی^۷ (۲۰۱۲) در پژوهش خود، کردارهای خواندن میان دانش‌آموزان در هنگام استفاده از اینترنت برای حل تکالیف درسی را بررسی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد دانش‌آموزان در این فرایند به ربط اطلاعات بیشتر از اعتبار آن اهمیت می‌دهند.

همان‌طور که مشاهده شد، هرچند در پژوهش‌های پیشین، ایدئولوژی خواندن و تولید سوژگی‌ها و کردارهای مرتبط با خواندن مطالعه شده است اما در هیچ‌کدام، ایدئولوژی ترویج خواندن و فرایندهای تولید سوژگی و کردار در «نشست‌های کتابخوان» بررسی نشده است.

-
1. Nichols, S.
 2. Loh, C. E.
 3. Taipale, S.
 4. Makinen, I.
 5. love of reading
 6. fennomanian ideology
 7. Kiili, C.

روش‌شناسی پژوهش

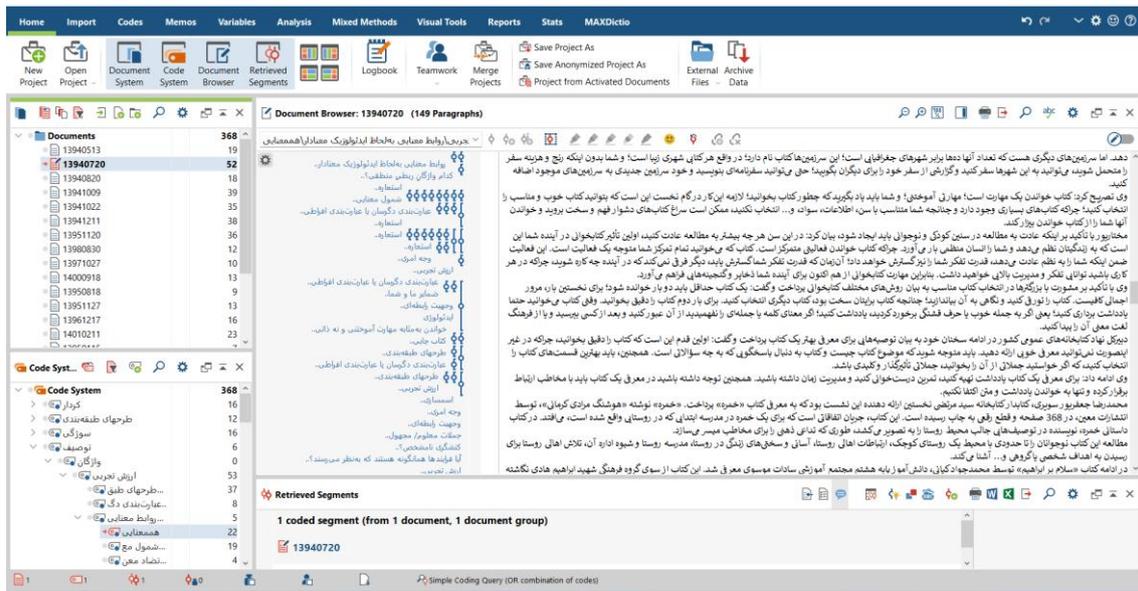
روش پژوهش تحلیل گفتمان است. از آنجا که پرسش‌های پژوهش پرسش از برساخت گفتمانی-ایدئولوژیکی سوژه‌های مروج و مخاطب ترویج خواندن و کردارهای آن‌هاست، نیازمند رویکردی هستیم که قائل به تمایز گفتمان‌های ایدئولوژیک و غیرایدئولوژیک باشد تا بتوانیم به وسیله آن، گفتمان‌های ایدئولوژیک را شناسایی کنیم. رویکرد انتقادی فرکلاف، در مقابل رویکردهای لاکلاو^۱ و موفه^۲ و فوکو^۳، قائل به تمایز گفتمان‌های ایدئولوژیک و غیرایدئولوژیک است و امکان شناسایی سوبه‌های ایدئولوژیک گفتمان، سوژگی و کردارهای گفتمانی را فراهم می‌کند (یورگنسن^۴ و فیلیپس^۵، ۱۳۸۹، ص. ۴۴). در انجام پژوهش حاضر از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف استفاده شده است.

تحلیل در سه سطح انجام می‌شود. در سطح اول با عنوان توصیف، با هدف نشان دادن چگونگی بهره‌گیری متن از ویژگی‌های صوری موجود در گفتمان، تحلیلی زبان‌شناختی ارائه می‌شود. توصیف، خود، در سطوح واژگان، دستور و ساخت‌های متنی، با توجه به ارزش‌های تجربی^۶، رابطه‌ای^۷ و بیانی^۸ موجود در ساخت واژگان و دستور و ساخت‌های متنی موجود در متون که شکل‌دهنده قراردادهای تعاملی هستند، انجام می‌گیرد (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص. ۱۷۱-۱۷۰). در سطح دوم با عنوان تفسیر، نحوه ارزش‌بخشی به ویژگی‌های متنی مبتنی بر پیش‌فرض‌های عقل سلیم در ساحت تعاملات اجتماعی در طی فرایند تولید و تفسیر متن بررسی می‌شود (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص. ۲۱۴-۲۱۳). در این سطح چگونگی سوژگی‌ها و کردارها پژوهش می‌شوند. در سطح سوم با عنوان تبیین، رابطه گفتمان و مناسبات قدرت تحلیل می‌شود (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص. ۲۱۴). در این سطح، نحوه تعیین گفتمان توسط ساختارهای اجتماعی و اثرات بازتولیدی گفتمان‌ها بر ساختارها مطالعه می‌شود (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص. ۲۴۵). در همین بخش ایدئولوژی‌ها به عنوان فرایندهای معنی‌سازی در ساحت اجتماعی که در بازتولید مناسبات سلطه نقش دارند، بررسی می‌شوند (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص. ۲۵۰).

از آنجا که گفتمان به واسطه زبان و در متن تشکیل شده و کردارها و سوژگی‌ها را شکل می‌دهند و ایدئولوژی ابتدا با خصلتی زبانی در متن یافت می‌شود، داده‌های پژوهش را گزاره‌های حاصل از متون تولید شده درباره «نشست‌های کتابخوان» تشکیل می‌دهند. برای دستیابی به متون، با کلیدواژه «نشست کتابخوان» و صورت‌های مختلف نگارشی آن، به همراه «ترویج خواندن» و صورت‌های مختلف نگارشی آن، در وبگاه‌ها،

1. Laclau, E.
2. Mouffe, C.
3. Foucault, M.
4. Jorgensen, M.
5. Phillips, L.
6. experiential values
7. relational values
8. expressive values

خبرگزاری‌ها و وبلاگ‌های وابسته و غیروابسته به نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور جستجو شد. نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند بود. متون بازیابی‌شده در هر جستجو، یک بار به طور کامل مطالعه شدند و در صورت وجود گزاره‌هایی حاوی داده‌هایی درباره «ترویج خواندن»، «مروج خواندن» و «مخاطب ترویج» و «کردار ترویج»، انتخاب شده تا برای دومین بار مطالعه شوند. در مطالعه مرحله دوم، به طور دقیق‌تر، وجود یا عدم داده‌هایی پیرامون ارزش تجربی - شامل طرح‌های طبقه‌بندی، عبارت‌بندی دگرسان یا افراطی-، روابط معنایی- شامل هم‌معنایی، شمول معنایی و تضاد معنایی، کنشگران مسلط، کنشگر نامشخص، اسم‌سازی، معلوم و مجهول، مثبت و منفی-، ارزش رابطه‌ای -شامل حسن تعبیر، رسمی یا محاوره‌ای بودن، وجه خبری، وجه پرسشی دستوری، وجه امری، وجه رابطه‌ای، ضمیر-، ارزش بیانی - شامل وجهیت بیانی-، نحوه اتصال جملات، واژگان ربطی منطقی، همپایگی و وابستگی جملات مرکب، قراردادهای تعاملی - شامل نظام نوبت‌گیری، کنترل جریان سخن- و استعاره در این متون بررسی شد. در صورت مشاهده گزاره‌های دلالت‌کننده بر وجود داده‌های مربوط به سه نوع ارزش و دیگر ویژگی‌های زبانی ذکر شده، متن برای تحلیل برگزیده می‌شد. به هر سند، مبتنی بر تاریخ انتشار آن، کدی هشت رقمی اختصاص داده شد. برای تحلیل متون از نرم‌افزار مکس کیودا ۲۰۲۰ استفاده شد. در مراحل ابتدایی فرایند تحلیل، داده‌های مشخصی گردآوری و تحلیل شده و در ادامه، گردآوری و تحلیل داده‌ها مبتنی بر نتایج تحلیل داده‌های پیشین، انجام شد. در مجموع ۲۱ سند گردآوری و تحلیل شد. برای اعتباربخشی به نتایج تحلیل داده‌ها، متون از منابع مختلف، شیونامه‌ها، گزارش‌ها، دستورالعمل‌ها و اخبار، استخراج شده و تمام فرایند تحلیل توسط سه پژوهشگر بررسی شد.



شکل ۱. نمونه تحلیل متون در نرم‌افزار MaxQDA

یافته‌های پژوهش

برساخت گفتمانی - ایدئولوژیک سوژه مروج خواندن و مخاطب ترویج خواندن در «نشست‌های کتابخوان» در ذیل ایدئولوژی «ترویج خواندن» در «نشست‌های کتابخوان»، سوژه «مروج خواندن» و سوژه «مخاطب ترویج خواندن» به ترتیب، با عنوان‌های «ارائه‌دهنده» و «مخاطب نشست» معرفی شده‌اند. این نامگذاری در گزاره‌های زیر قابل مشاهده است.

«ارائه‌دهندگان [...] با معرفی کتاب» (سند ۱۳۹۶۱۲۱۷)؛ «کتاب‌ها [...] به مخاطبان معرفی می‌شوند» (سند ۱۳۹۵۱۱۲۰).

این دو سوژه، در ذیل ایدئولوژی «ترویج خواندن»، در نتیجه بهره‌گیری از کردار «ارائه»^۱ شکل گرفته‌اند و در رابطه‌ای دیالکتیکی، وجود دو سوژه، موجب بازتولید کردار شده و کردار هم در بازتولید سوژه‌ها نقش دارد. سوژه «ارائه‌دهنده» به مثابه سوژه قادر به شناسایی اطلاعات، یا همان «داده‌های درست‌ساخت، معنی‌دار و صادق»^۲ و سوژه «مخاطب» به مثابه سوژه بالقوه یا بالفعل بیمار بازنمایی می‌شود. سوژه «ارائه‌دهنده» در تشخیص و ارائه راه درمان یا پیشگیری بیماری تواناست؛ هم قادر به تشخیص نوع بیماری، مشکل و مسئله سوژه «مخاطب» است و هم راه درمان یا پیشگیری بیماری‌ها را می‌شناسد؛ به نوعی دارای اطلاعاتی است که برای درمان مفید است یا راه دستیابی به این اطلاعات را می‌شناسد. در مقابل، سوژه «مخاطب»، توانایی شناسایی و دستیابی به اطلاعات را ندارد و همچنین، یا بیمار است یا اگر راه‌های پیشگیری به کار گرفته نشود حتماً بیمار خواهد شد. در این معنی، بیماری حاصل فقدان اطلاعات است. این سوژه خود قادر به تشخیص سلامت و بیماری خود نیست و همواره نیازمند شخصی دیگر برای تشخیص و درمان بیماری است؛ متعاقباً برای شناسایی و دستیابی به اطلاعات نیازمند سوژه «ارائه‌دهنده» است. مجموعه این بازنمایی‌ها با وساطت شیوه‌های مشخصی از به‌کارگیری زبان ممکن می‌شوند. برای مثال، گزاره‌های زیر دلالت بر این امر دارند:

«قلم و جنس سخنان حسن رحیم‌پور در این مجموعه به گونه‌ای است که صفحه صفحه کتاب ذهن را به سفری در اعماق تاریخ می‌برد و مخاطب گاه خود را در کنار امیرالمؤمنین (ع) حس می‌کند و گاه به کربلا می‌رود و معراج سرخ را به تماشای می‌نشیند و گاه غریبانه، در شام و در محیط نفاق و دستگاه امنیتی ظلم پرسه می‌زند. [...] بیست‌وهفتمین چاپ کتاب مجموعه‌ای ۱۱۲ صفحه‌ای است که در ۴۰۰۰ نسخه منتشر شده است. "این تاریخ دردناک اسلام است، روح اسلام، قربانی کالبدش شد و محتوایش پیش پای فرمش شهید گشت [...] مه از صحنه روزگار برانداختن اسلام، که می‌دانند ممکن نیست"» (سند ۱۳۹۴۱۰۲۲).

1. presentation

2. well-formed, meaningful and truthful data

در گزاره فوق، با استفاده از استعاره «کتاب به مثابه ابزار سفر ذهن» منابع خواندنی به مثابه وسایل نقلیه‌ای بازنمایی شده‌اند که به واسطه آن‌ها، ذهن خواننده قادر به سفر کردن در دنیاهای ذهنی گوناگون می‌شود. «ارائه‌دهنده» با بهره‌گیری از فرایند اسم‌سازی، نه از تجربه شخصی خود در مواجهه با منبع خواندنی، به عنوان خواننده، بلکه از تأثیر منبع خواندنی بر خواننده‌ای فرضی صحبت می‌کند؛ «صفحه صفحه کتاب ذهن را به سفری در اعماق تاریخ می‌برد» و نه این که «من خواننده با هر صفحه از کتاب به سفری در اعماق تاریخ رفتم»؛ و همچنین، در گزاره «مخاطب گاه، خود را در کنار امیرالمؤمنین (ع) حس می‌کند» به جای آن که بگوید «من خواننده خود را در کنار امیرالمؤمنین (ع) حس می‌کنم»، از فاعل «مخاطب» که ناشناس است استفاده می‌کند؛ در ادامه به جای آن که از جمله «من خواننده به کربلا می‌روم» استفاده شود، با اشاره به مخاطبی فرضی، از جمله «گاه به کربلا می‌رود» بهره گرفته شده است؛ به جای آن که از جمله «معراج سرخ را به تماشا می‌نشینم» استفاده شود، جمله «معراج سرخ را به تماشا می‌نشیند» استفاده شده است؛ به جای جمله «گاه غریبانه، در شام و در محیط نفاق و دستگاه امنیتی ظلم پرسه می‌زنم» از جمله «گاه غریبانه، در شام و در محیط نفاق و دستگاه امنیتی ظلم پرسه می‌زند» بهره گرفته شده است. در ادامه، با فاصله گرفتن از احساسات و تجربیات حاصل از منبع خواندنی، با ذکر مجموعه‌ای از داده‌های عینی مانند تعداد صفحات، شمارگان و نوبت چاپ سوژه «ارائه‌دهنده» در تلاش است «ارائه» خود را عینی و فاقد هر عنصر ذهنی و شخصی بازنمایی کند. در نهایت هم با آوردن بخشی از متن منبع خواندنی، «ارائه» خود را بیش از پیش عینی نشان می‌دهد. مجموعه این داده‌های عینی به مثابه اطلاعاتی بازنمایی می‌شوند که نزد سوژه «ارائه‌دهنده» است و سوژه «مخاطب» در نتیجه پذیرش و بهره‌گیری از آن به مثابه سوژه بهنجار بازنمایی^۱ خواهد شد.

«در کتاب حاضر به اختصار جنبه‌های تکنولوژیک و جنبه‌های سیاسی رسانه‌های گروهی در عصر حاضر و نحوه تأثیر آن بر فرهنگ جوامع بیان شده است. نگارنده علاوه بر آن، برخی دیدگاه‌های نظریه‌پردازان جامعه اطلاعاتی، مانند یورگن هابرماس، مارشال مک‌لوهان، آنتونیو گرامشی و آلوین تافلر را بررسی و تحلیل کرده است. دهکده جهانی، دگرگونی و ساختار رسانه‌های همگانی، [...] جامعه پسا صنعتی و جامعه اطلاعاتی مباحث اصلی کتاب را تشکیل می‌دهند» (سند ۱۳۹۴۱۰۲۲).

سوژه «ارائه‌دهنده» با آوردن مجموعه‌ای از داده‌های عینی مانند «مباحث اصلی کتاب» در تلاش است «ارائه» خود را عینی و فاقد هر عنصر ذهنی و شخصی بازنمایی کند. در این «ارائه»، سوژه «ارائه‌دهنده» از تجربیات مواجهه خود با منبع خواندنی، از برداشت شخصی خود، از احساسات حاصل از خواندن منبع خواندنی که در وی پدید آمده است و دیگر موارد اینچنینی که عینی بودن «ارائه» را خدشه‌دار می‌کنند، خودداری

کرده است و از این طریق، خود را به مثابه سوژه‌ای که مجموعه‌ای از اطلاعات را در اختیار دارد بازنمایی می‌کند.

«این کتاب که شامل مباحث پزشکی، درمانی روزه و مزایای روزه‌داری، رابطه غذا و روزه، نقش روزه در مبارزه با چاقی، نقش روزه در بهداشت روان و کاهش ابتلا به سرطان است» (سند ۱۳۹۵۰۳۲۵).

در گزاره فوق، با آوردن «مباحثی که کتاب شامل آن‌ها می‌شود» «ارائه» عینی و فاقد هر عنصر ذهنی و شخصی بازنمایی می‌شود. همچنین، سوژه «ارائه‌دهنده» به مثابه سوژه آگاه از اطلاعات بازنمایی می‌شود. حتی در برخی موارد، سوژه «ارائه‌دهنده» با صراحت، از بازگو کردن مواجهه شخصی خود با منبع خواندنی امتناع می‌کند. گزاره زیر دلالت بر این امر دارد:

«فارغ از جهت‌گیری ما درباره محتوای کتاب که در این باره بحث‌های بسیاری وجود دارد» (سند ۱۳۹۵۰۸۱۸).

در گزاره فوق، سوژه «ارائه‌دهنده» «جهت‌گیری خود درباره محتوای کتاب» را از «ارائه» حذف می‌کند و با اشاره به فراغت از این «جهت‌گیری»، «ارائه» خود را عینی و داده‌های موجود در منبع خواندنی را به مثابه اطلاعات بازنمایی می‌کند.

«این کتاب بر اساس باورهای شخصی نویسنده پایه‌گذاری شده است. افکار ما ابزار شکل دادن به زندگی کنونی ماست. در هر فصل از کتاب نویسنده از تجارب شخصی خود و دیگر افراد استفاده کرده است. مطالب این کتاب عملی است و شخص می‌تواند با خواندن آن احساسات و ذهن خود را خانه‌تکانی کند. در واقع، این کتاب راهنمایی برای تغییر و ترک برخی عادت‌های نادرست و ناخواسته و رسیدن به خواسته‌های پرشور است. یک برنامه عملی که می‌توان آن را در زندگی پیاده و به اجرا درآورد. افکار انسان ابزار شکل دادن به زندگی کنونی آن‌هاست. اگر آن‌ها افکار قوی، مثبت و مشوق را در درون خویش ایجاد کنند و بدانند که چقدر شایسته عشق، موفقیت، شادی و خوشبختی هستند، این‌ها را در طول زندگی با استفاده از همان افکار مثبت کسب خواهند کرد. آیا در رؤیای خود، در جستجوی شغلی بهتر، روابطی عاشقانه‌تر، خانه‌ای زیبا و جدید یا در یک کلام، در آرزوی خوشبختی بیشتر هستید؟ مطالعه این کتاب به شما کمک می‌کند ناهمگونی‌های زندگی را کنار گذاشته، بر ترس و اضطراب غلبه کنید و اعتمادبه‌نفس خود را بالا ببرید. این کتاب همانند جعبه جادویی است که شما را در ترک عادات ناخواسته یاری می‌دهد و مسیر زندگی‌تان را در جهت رسیدن به خواسته‌هایتان پرشور و اشتیاق می‌کند» (سند ۱۳۹۴۱۰۲۲).

سوژه «ارائه‌دهنده» با مطرح کردن این ایده که منبع خواندنی «بر اساس باورهای شخصی نویسنده پایه‌گذاری شده است» و آوردن ارزش تجربی «افکار ما ابزار شکل دادن به زندگی کنونی ماست»، ارزش تجربی

ذکرشده را به «باورهای شخصی نویسنده» منتسب کرده است و از این طریق، نقش خود را در آنچه «ارائه» می‌دهد مکتوم می‌کند. همچنین، با ارجاع ارزش تجربی یاد شده به سوژه «نویسنده» به واسطه اقتدار فرضی جایگاه سوژه نویسنده، این ارزش تجربی به مثابه اطلاعات و صادق جلوه می‌کند. در ادامه، با نسبت دادن محتوای کتاب به «تجارب شخصی نویسنده و دیگر افراد»، محتوای کتاب صادق‌تر جلوه داده می‌شود و از این طریق، سوژه «ارائه‌دهنده» به مثابه سوژه‌ای که محل دستیابی به اطلاعات را می‌شناسد و به آن‌ها دسترسی دارد بازنمایی می‌شود. در ادامه، تأکید می‌شود که «مطالب کتاب عملی است» و «شخص با خواندن آن احساسات و ذهن خود را خانه‌تکانی می‌کند». در اینجا، با بهره‌گیری از استعاره «خواندن به مثابه خانه‌تکانی ذهن»، سوژه «مخاطب»، سوژه‌ای بازنمایی می‌شود که نیازمند «خانه‌تکانی احساسات و ذهن» است که این امر توسط «خواندن مطالب عملی کتاب» اتفاق می‌افتد. در ادامه، «کتاب» به عنوان «راهنمایی برای تغییر و ترک برخی عادت‌های نادرست و ناخواسته و رسیدن به خواسته‌های پرشور» معرفی می‌شود. در اینجا، سوژه «مخاطب»، سوژه‌ای بازنمایی می‌شود که نیازمند «راهنمایی برای تغییر» است و قصدش «ترک برخی عادت‌های نادرست و ناخواسته» و «رسیدن به خواسته‌های پرشور» است. با این نوع بازنمایی، سوژه «مخاطب» در جایگاه سوژگی‌ای جای‌گیر می‌شود که در آن در نتیجه «عادت‌های نادرست و ناخواسته» بیمار است و «راهنمایی برای تغییر» راه درمان بیماری او است. سوژه «ارائه‌دهنده» سوژه‌ای است که از نیاز و قصد سوژه «مخاطب» آگاه است و اطلاعات موردنیاز برای تغییر یا همان درمان را می‌شناسد و با «ارائه» منبع خواندنی آن را با سوژه «مخاطب» در میان می‌گذارد. در ادامه، منبع خواندنی حاوی «برنامه عملی قابل اجرا و پیاده‌سازی در زندگی» معرفی می‌شود که در خدمت برساخت سوژه «ارائه‌دهنده» و «مخاطب»، به ترتیبی که پیش از این ذکر آن رفت، به کار گرفته می‌شود. با بیان ارزش تجربی «افکار انسان ابزار شکل دادن به زندگی کنونی آن‌هاست» سوژه «مخاطب»، به عنوان انسان، به مثابه سوژه‌ای بازنمایی می‌شود که «افکارش ابزار شکل دادن به زندگی کنونی او است». در ادامه، سوژه «ارائه‌دهنده» مجموعه‌ای از پرسش‌های غیرمستقیم را با سوژه «مخاطب» در میان می‌گذارد و از این طریق، در بدو امر، خود را به مثابه سوژه‌ای آگاه از قصد و نیاز یا دقیق‌تر، آگاه از بیماری سوژه «مخاطب»، بازنمایی می‌کند و همچنین، مجموعه‌ای از قصدها و نیازها یا بیماری‌ها را به سوژه «مخاطب» منتسب می‌کند. در ادامه، خواندن منبع خواندنی «ارائه» شده راه پاسخگویی به قصدها و نیازها بازنمایی می‌شود؛ به بیانی دیگر، اطلاعات حاصل از منبع خواندنی راه درمان بیماری سوژه «مخاطب» بازنمایی می‌شود. همچنین، با استفاده از تشبیه «کتاب» به «جعبه جادویی»، منبع خواندنی به مثابه ابزار برآورده کردن آرزوهای سوژه «مخاطب» بازنمایی می‌شود.

«کتاب حاضر با بررسی علمی و موشکافانه مسائل و مشکلات خانواده‌ها، والدین را در تربیت موفق فرزندان بارور می‌سازد و به آن‌ها می‌آموزد که چگونه می‌توان هم به سلامت و راحتی خود فکر کرد و هم از عهده مسائل مربوط به فرزندان به سادگی برآمد. این اثر کتابی سودمند و کاربردی برای والدین، مربیان تربیتی، روان‌شناسان، پژوهشگران، مدرسان و تمامی افرادی که به‌گونه‌ای علاقمند به رموز تربیت و فرزندپروری هستند، است. از لحظه‌ای که بچه‌ها به دنیا می‌آیند، والدین سعی دارند رفتار آنان را شکل دهند و بر آن نفوذ نمایند اما در هر بچه صفات معینی وجود دارد که بخشی از شخصیت منحصر به فرد او را تشکیل می‌دهد، صفاتی که ما به عنوان پدر یا مادر ممکن است بر روی آن‌ها نظارت اندک [بی] [داشته باشیم]» (سند ۱۳۹۴۱۰۲۲).

در گزاره فوق، سوژه «ارائه‌دهنده» با بیان این ایده که «کتاب حاضر با بررسی علمی و موشکافانه مسائل و مشکلات خانواده‌ها، والدین را در تربیت موفق فرزندان بارور می‌سازد و به آن‌ها می‌آموزد که چگونه می‌توان هم به سلامت و راحتی خود فکر کرد و هم از عهده مسائل مربوط به فرزندان به سادگی برآمد» خود را به مثابه سوژه آگاه از «مسائل و مشکلات خانواده‌ها» بازنمایی می‌کند و با معرفی منبع خواندنی «ارائه‌شده» به عنوان راه درمان یا پیشگیری این «مسائل و مشکلات»، خود را به مثابه سوژه آگاه از راه درمان یا پیشگیری بازنمایی می‌کند. در مقابل، سوژه «مخاطب» سوژه‌ای بازنمایی می‌شود که درگیر «مجموعه‌ای از مسائل و مشکلات» است یا می‌تواند درگیر شود و در جستجوی «تربیت موفق فرزندان» است. همچنین، سوژه «مخاطب»، به عنوان والد فرزند، به مثابه سوژه‌ای که در تلاش برای «شکل دادن به رفتار فرزندان» و «نفوذ به آن‌ها» است بازنمایی می‌شود. این صفات مجموعه‌ای از جایگاه‌های سوژگی را پدید می‌آورد که سوژه «مخاطب» به آن‌ها فراخوانده شده و این امکان فراهم می‌شود که منبع خواندنی برای سوژه «مخاطب»، که مجموعه‌ای از صفات، قصدها و نیازها به او منسوب شده، توسط سوژه «ارائه‌دهنده»، معرفی شود. به واسطه بهره‌گیری از طرح‌های طبقه‌بندی «سودمند/ ناسودمند» و «کاربردی/ بی‌کاربرد» و با استفاده از وجهیت بیانی، منبع خواندنی «ارائه‌شده» به عنوان «اثر سودمند و کاربردی» بازنمایی می‌شود. متعاقباً، اطلاعات موجود در آن به عنوان «اطلاعات سودمند و کاربردی» بازنمایی می‌شود.

«تجربه نشان می‌دهد که هر خانواده و دانش‌آموزی که از مطالعه کتاب غافل شد با ناهنجاری و آسیب‌های اجتماعی بیشتری روبه‌رو است. [...] اگر قرار باشد هر دانش‌آموز فقط کتاب‌های درسی بخواند، شاید یک مهندس یا دکتر موفق‌تری شود ولی یک شهروند موفق نخواهد شد. [...] برای ورود به جامعه نیاز به یک شهروند آگاه، متخصص و خدمتگزار است. [...] یک شهروند آگاه باید از مسائل روز، تاریخ کشور خود و جهان اطلاع داشته باشد» (سند ۱۳۹۷۱۰۲۷).

در گزاره فوق، سوژه «ارائه‌دهنده»، در ابتدای سخن خود، با بیان ارزشی تجربی، این ایده را مطرح می‌سازد که «غفلت از خواندن کتاب ناهنجاری و آسیب‌های اجتماعی را در پی دارد». در ادامه، این ارزش بیانی مطرح می‌شود که «دانش‌آموزی که فقط کتاب درسی می‌خواند شهروند موفقی نیست». همچنین، سوژه «ارائه‌دهنده» با متصل کردن مجموعه‌ای از واژه‌هایی که تا حدودی، از نظر معنایی مشابه و هم‌خانواده هستند — مانند آگاه، متخصص، و خدمتگزار — به وسیله واو عطف به یکدیگر، در تلاش است سخن خود را صادق‌تر نشان دهد. از مجموع این طرق، سوژه «ارائه‌دهنده» هویت خود را به مثابه صاحب اطلاعات بر ساخت می‌کند. در مقابل، سوژه «مخاطب» اگر می‌خواهد به مثابه سوژه شهروند آگاه بازشناسی شود باید مجموعه‌ای از اطلاعات را داشته باشد. از این طریق، سوژه «ارائه‌دهنده» در شکل‌گیری خصایص سوژه «مخاطب» نقش ایفا می‌کند و مجموعه‌ای از ویژگی‌ها را برای او تعیین می‌کند که اگر از آن‌ها تخطی کند به مثابه سوژه نابهنجار بازشناسی خواهد شد.

برساخت گفتمانی - ایدئولوژیک کردار سوژه مروج خولندن و مخاطب ترویج خولندن در «نشست‌های کتابخوان»

در ذیل ایدئولوژی «ترویج خواندن» در «نشست‌های کتابخوان»، سوژه مروج یا «ارائه‌دهنده» از آنجا که صاحب اطلاعات است و نوع بیماری و راه پیشگیری و درمان را می‌داند با «ارائه اطلاعات» به سوژه «مخاطب»، تغییری در او ایجاد می‌کند. مصداق «ارائه اطلاعات»، «ارائه» منبع خواندنی «مفید» و «مناسب» به سوژه «مخاطب» است. «مفید» و «مناسب» دو طرح طبقه‌بندی پرکاربرد در هنگام سخن گفتن از منبع خواندنی ذیل ایدئولوژی «ترویج خواندن»، هستند (سندهای ۱۳۹۴۰۵۱۳، ۱۳۹۴۰۷۲۰، ۱۳۹۴۰۸۲۰، ۱۳۹۴۱۲۱۱، ۱۳۹۵۰۲۲۷، ۱۳۹۵۱۱۲۰). این دو طرح طبقه‌بندی نشانگر وجهیت بیانی‌اند که مبتنی بر آن منابع خواندنی قابل تقسیم به دو دسته «مفید/ مضر» و «مناسب/ نامناسب» می‌شوند. در بخش‌های بسیاری از متون، از واژه «ارائه» برای کردار ترویج خواندن استفاده شده است؛ برای مثال، گزاره‌های زیر دلالت بر این امر دارند:

«اولین قدم این است که کتاب را دقیق بخوانید، چرا که در غیر این صورت نمی‌توانید معرفی خوبی ارائه دهید» (سند ۱۳۹۴۰۷۲۰).

«کتاب‌های ارائه شده در این نشست» (سند ۱۴۰۲۰۸۲۴).

«محدودیتی در تعداد دفعات ارائه توسط فرد [...] وجود ندارد» (سند ۱۳۹۵۰۲۲۷).

گونه «ارائه» در اینجا به دو معنی دلالت می‌کند. اولین معنی این است که سوژه «ارائه‌دهنده» با «ارائه» کتاب به سوژه «مخاطب»، مجموعه‌ای از اطلاعات را به وی «منتقل» می‌کند؛ دومین معنی این است که سوژه

«ارائه‌دهنده» با «ارائه» کتاب به سوژه «مخاطب»، مجموعه‌ای از اطلاعات را به وی «معرفی» می‌کند. در این معنی، «ارائه» یا «پرزنت» کردن هم به معنای «انتقال» اطلاعات و هم «معرفی» آن است.

در نتیجه به کارگیری کردار «ارائه»، سوژه «ارائه‌دهنده»، قادر است در جایگاهی بالاتر از سوژه «مخاطب» قرار گیرد. شفاهی بودن «ارائه»، در مقابل کردار کتبی، امکان تسلط و کنترل بیشتری برای سوژه «ارائه‌دهنده» فراهم می‌کند. سوژه «ارائه‌دهنده» در بیشتر مواقع متکلم وحده است و شخصی است که قادر است جریان سخن گفتن و نوبت‌گیری‌ها را کنترل کند. سوژه «ارائه‌دهنده»، به واسطه امکانی که «ارائه» در اختیارش قرار می‌دهد، همواره قادر است اطلاعات مورد نظرش را به سوژه «مخاطب» منتقل یا معرفی کند. در مقابل، با به کارگیری کردار «ارائه»، سوژه «مخاطب» در جایگاهی پایین‌تر از سوژه «ارائه‌دهنده» قرار می‌گیرد. سوژه «مخاطب» در بیشتر مواقع شنونده است و قادر به کنترل جریان سخن نیست. سوژه «مخاطب» اطلاعاتی دریافت می‌کند که موجب تغییر وی می‌شود. سوژه «مخاطب» پیش از «ارائه» منبع خواندنی، شناختی از منبع خواندنی «مفید» و «مناسب» ندارد و در نتیجه «ارائه» سوژه «ارائه‌دهنده» با آن آشنا می‌شود که در نهایت، این فرایند پیشگیری یا درمان او را تضمین می‌کند.

سوژه «ارائه‌دهنده» از نظر فیزیکی، در جایگاهی قرار می‌گیرد که رو به سوی همه سوژه‌های «مخاطب» دارد و قادر است همه آن‌ها را زیر نظر داشته و رصد کند؛ متعاقباً، همه سوژه‌های «مخاطب» قادرند سوژه «ارائه‌دهنده» را ببینند اما نحوه جای‌گیری سوژه‌های «مخاطب» به طوری است که دیدن دیگر سوژه‌های «مخاطب» برای آن‌ها دشوار است (سند‌های ۱۴۰۲۰۸۳۰، ۱۴۰۱۰۷۲۷). از این طریق، سوژه «ارائه‌دهنده» در جایگاهی بالاتر از جایگاه سوژه «مخاطب» قرار می‌گیرد و تسلط و کنترل بیشتری بر جریان نشست دارد. سوژه «ارائه‌دهنده» توانایی بیشتری برای کنترل جریان سخن و نوبت‌گیری‌ها دارد. همچنین، سخن سوژه «ارائه‌دهنده»، به دلیل جایگاه فیزیکی قرارگیری‌اش، با اهمیت‌تر و صادق‌تر بازنمایی می‌شود. در مقابل، سوژه «مخاطب» در جایگاهی پایین‌تر از سوژه «ارائه‌دهنده» قرار می‌گیرد و تسلط و کنترل کمتری بر جریان نشست دارد. سوژه «مخاطب» توانایی کمتری برای کنترل جریان سخن و نوبت‌گیری‌ها دارد و با تأیید سوژه «ارائه‌دهنده» قادر به سخن گفتن بهنجار است. در صورت نداشتن تأیید سوژه «ارائه‌دهنده»، سخن گفتن سوژه «مخاطب» نابهنجار تلقی می‌شود. همچنین، به دلیل جایگاه فیزیکی قرارگیری سوژه «مخاطب»، سخنش از اعتبار و اهمیت کمتری، نسبت به سوژه «ارائه‌دهنده»، برخوردار است.

در دستورالمعل «ملاک‌های معرفی کتاب استاندارد از نظر نهاد» از جمله معیارهایی که «ارائه‌دهنده» باید در «ارائه» خود رعایت کند این مورد ذکر شده است که «مخاطب شما قانع شود که لازم است این کتاب را مطالعه کند و مطالعه این کتاب، مطالعه‌ای مفید است» (سند ۱۳۹۴۰۵۱۳)، همچنین، در جایی دیگر این ایده

مطرح می‌شود که سوژه «ارائه‌دهنده» زمانی در عمل خود موفق شمرده خواهد شد که «حاضران برای مطالعه کتاب‌های مورد نظر راغب شوند» (سند ۱۳۹۴۰۸۲۰).

در گزاره‌های فوق، «اقناع» و «ارغاب» سوژه «مخاطب» از جانب سوژه «ارائه‌دهنده» یکی از مفاد «ارائه» منبع خواندنی معرفی شده است. مبتنی بر این، سوژه «ارائه‌دهنده» برای آن که به مثابه سوژه بهنجار بازشناسی شود باید مخاطب خود را «قانع» و «راغب» کند که لازم است این منبع خواندنی «ارائه» شده را بخواند و سوژه «مخاطب» بپذیرد خواندن این منبع خواندنی برایش «مفید» است. در مقابل، سوژه «ارائه‌دهنده» که در «اقناع» و «ارغاب» مخاطب خود در پذیرش خواندن منبع خواندنی و «مفید» دانستن خواندن آن برای خود، ناموفق باشد به مثابه سوژه نابهنجار بازنمایی می‌شود. همچنین، سوژه «مخاطب» در صورتی بهنجار تلقی می‌شود که پذیرای خواندن منبع خواندنی «ارائه» شده باشد، آن را بخواند و با استفاده از اطلاعات موجود در آن سلامت‌ش حفظ شود. همچنین، با استفاده از طرح طبقه‌بندی «مفید/ مضر»، این وجهیت بیانی به کار رفته است که برخی خواندن‌ها خواندن «مفید»ند و برخی خواندن‌ها «مضر»ند. سوژه «ارائه‌دهنده» موظف است طوری منبع خواندنی را «ارائه» دهد که منبع خواندنی به مثابه منبع خواندنی «مفید» و خواندن به مثابه خواندن «مفید» بازنمایی شود. سوژه «ارائه‌دهنده» به عنوان سوژه توانا به تعیین ملاک‌های «مفید» بودن و قضاوت درباره «مفید» بودن منبع خواندنی بازنمایی می‌شود.

نامشخص بودن کنشگر در مواردی که از وجه امری استفاده شده است در بسیاری از موارد دیده می‌شود؛ این درحالی است که شخصی که باید امر را اجرا کند آشکار است و در بیشتر موارد آن را مردم، اعضای کتابخانه یا به بیانی دقیق‌تر، «مخاطب» ترویج خواندن در نشست‌ها، تشکیل می‌دهد. با تحلیل گزاره‌ها مشخص می‌شود سوژه کنشگر نامشخص همان سوژه «ارائه‌دهنده» است؛ برای مثال، گزاره‌های زیر دلالت بر این امر دارند:

«دانش‌آموزان باید یاد بگیرند اهل مطالعه شوند» (سند ۱۳۹۸۰۸۳۰).

در گزاره فوق، با بهره‌گیری از وجهیت رابطه‌ای، از نوع امری، سوژه کنشگر، از جانب جایگاه اقتدار، به «دانش‌آموزان»، یا همان سوژه «مخاطب»، امر کرده است «یاد بگیرند اهل مطالعه شوند» و «دانش‌آموزان» ملزم شده‌اند از این امر پیروی کنند. وجهیت رابطه‌ای از طریق فعل کمکی «باید» اعمال شده است.

«هر دانش‌آموز بر اساس توانایی خود باید به مطالعه کتاب‌های غیردرسی بپردازد» (سند ۱۳۹۷۱۰۲۷).

در گزاره فوق، با بهره‌گیری از وجهیت رابطه‌ای، از نوع امری، سوژه کنشگر، از جانب جایگاه اقتدار، به «هر دانش‌آموز»، یا همان سوژه «مخاطب»، امر کرده است «به مطالعه کتاب‌های غیردرسی بپردازد» و «دانش‌آموز» ملزم شده است از این امر پیروی کند. وجهیت رابطه‌ای از طریق فعل کمکی «باید» اعمال شده است.

«باید همه افراد جامعه این یار مهربان را همواره همراه داشته باشند» (سند ۱۳۹۵۱۱۲۷).

در گزاره فوق، با بهره‌گیری از وجهیت رابطه‌ای، از نوع امری، سوژه کنشگر، از جانب جایگاه اقتدار، به «همه افراد جامعه»، یا همان سوژه «مخاطب»، امر کرده است «این یار مهربان را همواره همراه داشته باشند» و «همه افراد جامعه» ملزم شده‌اند از این امر پیروی کنند. وجهیت رابطه‌ای از طریق فعل کمکی «باید» اعمال شده است. همچنین، از استعاره «کتاب به مثابه یار مهربان» استفاده شده است که مبتنی بر این استعاره کتاب مانند یک دوست می‌تولند «یاری مهربان» برای فرد باشد و از این طریق بر وجهیت رابطه‌ای تأکید بیشتری شده است. با بهره‌گیری از این استعاره و وجهیت رابطه‌ای، این امکان فراهم شده است که از وجهیت بیانی هم استفاده شود که مبتنی بر آن، سوژه کنشگر، از جایگاه اقتدار، قادر است «کتاب» را، از آنجا که مانند «یار مهربان» است، برای فرد «مفید» و «مناسب» بازنمایی کند.

«شما باید یاد بگیرید که چگونه کتاب بخوانید» (سند ۱۳۹۴۰۷۲۰).

در گزاره فوق، با بهره‌گیری از وجهیت رابطه‌ای، از نوع امری، سوژه کنشگر، از جانب جایگاه اقتدار، به مخاطبان خود که با واژه «شما» از آن‌ها یاد شده است، امر کرده است «یاد بگیرید که چگونه کتاب بخوانید» و «مخاطبان» ملزم شده‌اند از این امر پیروی کنند. وجهیت رابطه‌ای از طریق فعل کمکی «باید» اعمال شده است. همچنین، سوژه کنشگر با بهره‌گیری از ضمیر «شما» میان خود، به عنوان گوینده سخن و سوژه «مخاطب» تمایز ایجاد کرده تا بتولند از این طریق، خود را در جایگاه اقتدار قرار دهد. به واسطه این جایگاه اقتدار، سوژه کنشگر قادر می‌شود با بهره‌گیری از وجهیت بیانی برخی از انواع خواندن را «صحیح» و برخی را «ناصحیح» بازنمایی کند و سوژه «مخاطب» «باید یاد بگیرد» «چگونه صحیح کتاب بخواند» و از روش‌های «ناصحیح» خواندن دوری کند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی مختصات ایدئولوژیک «ترویج خواندن» در «نشست‌های کتابخوان» در ساحت سوژگی و کردار انجام گرفت. مبتنی بر یافته‌های پژوهش، سوژه «ارائه‌دهنده» به مثابه سوژه توانا در شناسایی و دستیابی به اطلاعات و نوع بیماری بازنمایی شده و سوژه «مخاطب» به مثابه سوژه ناتوان در شناسایی و دستیابی به اطلاعات و بیمار بالقوه یا بالفعل بازنمایی می‌شود. همچنین، در نتیجه به کارگیری گونه «ارائه»، سوژه «ارائه‌دهنده» در جایگاه فرادست و سوژه «مخاطب» در جایگاه فرودست قرار می‌گیرد.

آن دسته از کردارهایی که به واسطه آن منابع خواندنی توسط سوژه «ارائه‌دهنده» به سوژه «مخاطب» «ارائه» می‌شود، به مثابه کرداری بازنمایی می‌شود که در آن اطلاعات از جانب سوژه «ارائه‌دهنده» به سوژه «مخاطب» «ارائه» می‌شود. آنچه از آن با عنوان فعالیت ترویج خواندن یا «ارائه» یاد می‌شود، در واقع کردار

«ارائه اطلاعات» بازنمایی می‌شود. از آنجا که یگانه منبع اطلاعات سوژه «ارائه‌دهنده» است و سوژه «مخاطب» فاقد این اطلاعات است، سوژه «ارائه‌دهنده» بر سوژه «مخاطب» سلطه پیدا می‌کند. همچنین، در ذیل ایدئولوژی «ترویج خواندن»، محتوای منبع خواندنی به مثابه اطلاعات، یا همان «داده‌های درست‌ساخت، معنی‌دار و صادق»، بازنمایی می‌شود. این اطلاعات بی‌زمان و بی‌مکان است، در حالی که، در واقعیت، منابع خواندنی همواره در مناسبات مادی تولید، عرضه و مصرف می‌شوند و می‌توانند هم حاوی اطلاعات باشند و هم حاوی دژاطلاعات^۱ باشند. در ذیل بازنمایی ترویج خواندن به مثابه «ارائه» منبع خواندنی، مبتنی بر فهمی بازارپایانه از «ارائه»، افق امکان‌های تاریخی سوژه «مخاطب» ترویج خواندن نادیده انگاشته می‌شود. در اینجا «ارائه» منبع خواندنی نه ترویج خواندن، که در واقعیت و عمل، «ارائه اطلاعات» به ذهن «مخاطب» است و از آنجا که محتوای منبع خواندنی به مثابه اطلاعات، که صدق از شروط آن است، بازنمایی می‌شود، امکان مواجهه نقادانه برای «مخاطب» ممتنع می‌شود. به واسطه امتناع مواجهه نقادانه برای سوژه «مخاطب»، سلطه سوژه «ارائه‌دهنده» بر سوژه «مخاطب» و یکسان‌انگاری محتوای منابع خواندنی و اطلاعات، در مجموع، امکان انتقال دژاطلاعات، کنترل خوراک اطلاعاتی و کنترل افکار سوژه «مخاطب» برای بازتولید مناسبات اجتماعی مبتنی بر سلطه فراهم می‌شود.

علاوه بر بازتولید سلطه در سطح خرد میان سوژه «ارائه‌دهنده» و سوژه «مخاطب»، ایدئولوژی «ترویج خواندن» به بازتولید سلطه در سطح کلان‌تر اجتماعی هم کمک می‌کند. در نتیجه بازنمایی سوژه «مخاطب» به مثابه بیمار بالقوه یا بالفعل، آن بخش از واقعیت که توسط ایدئولوژی «ترویج خواندن» پنهان می‌شود این است که آنچه به مثابه بیماری فرد بازنمایی می‌شود، به غیر از علل فردی، دارای علل اجتماعی است و همواره این علل توسط ایدئولوژی «ترویج خواندن» مکنون واقع می‌شوند. به دست آوردن اطلاعات توسط سوژه «مخاطب» تغییر مستقیمی در علل اجتماعی بیماری او ندارد در حالی که این طور بازنمایی می‌شود که گویی علت بیماری، نبود اطلاعات است و با دریافت اطلاعات بیماری برطرف می‌شود. در این شرایط، برای سوژه «مخاطب» دژشناخت^۲ حاصل می‌شود و با قلب واقعیت، نابسامانی شرایط به نبود اطلاعات در ذهن سوژه «مخاطب» تقلیل می‌یابد، عوامل پیرامونی سوژه پنهان مانده و نظام اجتماعی پیرامون سوژه جلوه‌ای طبیعی به خود می‌گیرد. با طبیعی و مطلوب جلوه دادن نظام اجتماعی پیرامون سوژه، سلطه موجود در نظام اجتماعی پنهان می‌شود. از آنجا که تنها بخشی از واقعیت به نمایش درمی‌آید، که همان اصلاح شرایط فردی از طریق

1. Disinformation
2. Misrecognition

دریافت اطلاعات است و بخش دیگر که مبتنی بر نقش شرایط اجتماعی است مستور باقی می‌ماند، امکان اصلاح کمتر شده و مناسبات اجتماعی مبتنی بر سلطه پابرجا می‌ماند.

پیشنهادها

مبتنی بر نتایج پژوهش، پیشنهادهای زیر مطرح می‌شود:

از آنجا که ذیل ایدئولوژی «ترویج خواندن» سوژه‌ها در مواضع سوژگی مشخصی جای‌گیر می‌شوند که در ایدئولوژی ممکن شده‌اند، پیشنهاد می‌شود با به کار بردن دیگر گونه‌ها مانند «بحث و گفتگو» و «نقد و بررسی» به جای «ارائه»، امکانی برای جایگزینی دوگانه «سوژه کنشگر/ سوژه کنشگر» به جای «سوژه کنشگر/ سوژه کنش‌پذیر»، فراهم شود تا روابط مشارکین در «نشست‌های کتابخوان» کمتر جنبه سلطه پیدا کند و همچنین، کردارهای جایگزین مانند «بحث و گفتگو» و «نقد و بررسی» پیرامون منبع خواندنی پدیدار شوند. از آنجا که در «نشست‌های کتابخوان»، ایدئولوژی «ترویج خواندن» بر ذهن و بدن مشارکت‌کنندگان نشست‌ها تأثیر گذاشته و موجب بازتولید سلطه می‌شود، پیشنهاد می‌شود سیاستگذاران با ارائه دستورالعمل‌های جدید برای برگزاری «نشست‌های کتابخوان» که در آن بر برگزاری مشارکتی نشست‌ها و نظرخواهی از «مخاطبان» در انتخاب منابع خواندنی تأکید می‌شود تا حد امکان، از بازتولید روابط مبتنی بر سلطه جلوگیری شود.

پیشنهاد می‌شود برگزارکنندگان «نشست‌های کتابخوان» و سوژه «ارائه‌دهنده» به گره‌گاه‌های ایدئولوژیکی‌ای که در برگزاری نشست‌ها ممکن می‌شود حساس بوده و با تغییر چیدمان محل برگزاری نشست‌ها به طوری که الزاماً سوژه «ارائه‌دهنده» مرکز توجه نباشد و تفاوت مشخصی میان جایگاه استقرار سوژه «ارائه‌دهنده» و دیگر سوژه‌ها وجود نداشته باشد و با فراهم کردن امکان مشارکت فعال «مخاطبان» در فرایند برگزاری نشست‌ها و همچنین تأکید بر مشارکت از بروز آن‌ها جلوگیری کنند.

پیشنهاد می‌شود «مخاطبان» «نشست‌های کتابخوان» به گره‌گاه‌های ایدئولوژیکی‌ای که در برگزاری نشست‌ها ممکن می‌شود حساس بوده و با شرکت در بحث‌ها، در دست گرفتن جریان سخن و کنترل آن، جلوگیری از بدل شدن سوژه «ارائه‌دهنده» به متکلم وحده و ارائه پیشنهادهایی برای برگزاری بهتر نشست‌ها در مقابل آن مقاومت نشان دهند.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه تهران به خاطر حمایت معنوی و فراهم‌آوری زمینه اجرای پژوهش حاضر، سپاسگزاری می‌شود.

منابع

- راس، کاترین شلدریک (۱۳۹۳). استعاره‌های خواندن. ترجمه عظیمه ستاری. *کتاب ماه کلیات*، ۱۷(۴)، ۱۵-۲۵.
- سامانه یکپارچه مدیریت کتابخانه‌های عمومی کشور (بی تا). *خدمات کتابخانه*. بازیابی شده در ۷ بهمن ۱۴۰۱، از <https://samanpl.ir/common/Banner/Index>
- شقایق، مهدی (۱۳۹۳). خواندن: تکنولوژی فرهنگی بدن. *کتاب ماه کلیات*، ۱۷(۴)، ۵-۹.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۰). درآمدی جامعه‌شناختی به پدیده و گفتمان کتاب در ایران معاصر. *فصلنامه کتاب مهر*، ۱(۲)، ۴-۴۹.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. ترجمه فاطمه شایسته‌پیران و دیگران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- محبوب، سیامک؛ منصوریان، یزدان؛ فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۹). واکاوی بحران مطالعه در ایران با تکیه بر چهارچوب تحلیل انتقادی گفتمان. *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*، ۲۶(۳)، ۴۳۹-۴۶۵.
- یورگسن، ماریانه؛ فیلیس، لوئیز ج. (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی.

References

- Fairclough, N. (2000). *Critical Discourse Analysis*. Shaiste Piran, F. and others (Trans.). Tehran: Media Studies and Research Center. (in Persian)
- Fazeli, N. (2011). A Sociological Introduction to the Phenomenon and Discourse of Book in Contemporary Iran. *Ketab Mehr*, 1(2), 4-49. (in Persian)
- Gee, J. P. (2014). *How to do Discourse Analysis: A Toolkit*. 2nd Edition. London: Routledge.
- Jorgensen, M., & Phillips, L. (2010). *Discourse Analysis as Theory and Method*. Jalili, Hadi (Trans.). Tehran: Ney. (in Persian)
- Kiili, C. (2012). *Online Reading as an Individual and Social Practice* (Doctoral dissertation, University of Jyväskylä, Finland).
- Laine, T. (2021). Motivation to Read? Reading Among the Upper-class Children in Finland During the 17th and 18th Centuries. *Knygotyra*, 76, 51-71.
- Mahboub, S., Mansourian, Y., & Fazeli, N. (2020). The Reading Crisis in Iran (During the 1960s and 1970s): A Critical Discourse Analysis. *Research on Information Science & Public Libraries*, 26(3), 439-465. (in Persian)
- Makinen, I. (2015). From Literacy to Love of Reading: The Fennomanian Ideology of Reading in the 19th-century Finland. *Journal of Social History*, 49(2), 287-299.
- Nichols, S., & Loh, C.E. (2019). Challenging the Visual Discourse of Reading: or, Do Teen Readers Look Like Google Image?. *Changing English: Studies in Culture and Education*, 26(2), 150-162.
- Ross, C. S. (2014). Metaphors of Reading. Sattary, Azime (Tran.). *Ketabmah Koliat*, 17(4), 15-25. (in Persian)
- Shaghghi, M. (2014). Reading: Cultural Technology of Body. *Ketabmah Koliat*, 17(4), 5-9. (in Persian)
- Taipale, S. (2015). Bodily Dimensions of Reading and Writing Practices on Paper and Digitally. *Telematics and Informatics*, 32, 755-766.
- The Integrated Management System of Public Libraries of the Country (n.d.). *Library services*. Retrieved on 27 January 2023, from <https://samanpl.ir/common/Banner/Index>. (in Persian)

پیوست: فهرست سندهای تحلیل شده

۱۳۹۴۰۵۱۳ / اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان لرستان (۱۳۹۴). کتابخوان‌های استان در خرم‌آباد گردهم می‌آیند. بازیابی شده در ۱۰ خرداد ۱۴۰۳، از

<https://lorestan.farhang.gov.ir/fa/news/176324/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%86-%D9%87%D8%A7%DB%8C>

۱۳۹۴۰۷۲۰ / خبرگزاری شبستان (۱۳۹۴). اهمیت به‌کارگیری مهارت‌های کتابخوانی و معرفی کتاب. بازیابی شده در ۱۶ خرداد ۱۴۰۳، از shabestan.news/x6cmt

۱۳۹۴۰۸۲۰ / گیل خبر (۱۳۹۴). نشست کتابخوان ویژه دانش‌آموزان در لاهیجان برگزار شد. بازیابی شده در ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۳، از <https://gilkhabar.ir/news/i/128457>

۱۳۹۴۱۰۰۹ / دیار میرزا (۱۳۹۴). نشست کتابخوان چابکسر برگزار شد / ترویج و توسعه فرهنگ کتابخوانی یک وظیفه همگانی. بازیابی شده در ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۳، از

<https://diyarmirza.ir/?p=204587>

۱۳۹۴۱۰۲۲ / سپیدار نیوز (۱۳۹۴). نشست کتابخوان به‌میزبانی کتابخانه‌های عمومی ساوجبلاغ برگزار شد. بازیابی شده در ۱۵ خرداد ۱۴۰۳، از

<https://sepidarnews.ir/farhangi/156429-%D9%86%D8%B4%D8%B3%D8%AA-%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%86.html>

۱۳۹۴۱۲۱۱ / خبرگزاری بسیج (۱۳۹۴). نخستین نشست کتابخوان در شهرستان بهاباد برگزار شد. بازیابی شده در ۱۳ خرداد ۱۴۰۳، از <https://basijnews.ir/00aGuq>

۱۳۹۵۰۱۱۵ / خبرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا» (۱۳۹۵). اهداف و برنامه‌های سال ۹۵ نهاد کتابخانه‌ها. بازیابی شده در ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۳، از

isna.ir/xcxdtg

۱۳۹۵۰۲۲۷ / کمال نیوز (۱۳۹۵). رئیس اداره کتابخانه‌های عمومی آمل خبر داد. بازیابی شده در ۱۳ خرداد ۱۴۰۳، از <https://kamalonline.ir/page.aspx?ViewNewsId=12368>

۱۳۹۵۰۳۲۵ / خبرگزاری شبستان (۱۳۹۵). نشست کتابخوان «قرآن و رمضان» در کمیجان برگزار شد. بازیابی شده در ۱۱ خرداد ۱۴۰۳، از shabestan.news/x6Hww

۱۳۹۵۰۸۱۸ / کتابخانه عمومی ن والقلم شاهین دژ (۱۳۹۵). گزارش نشست کتابخوان توسط دبیرکل. بازیابی شده در ۱۳ خرداد ۱۴۰۳، از <https://nvalghalam.blogspot.com/1395/08/18/post-B2%D8%A7%D8%B1%D8%B4>

۱۳۹۵۱۱۲۰ / شبکه اطلاع‌رسانی دانا (۱۳۹۵). همزمان با دهه مبارک فجر نشست کتابخوان در بیجار برگزار شد. بازیابی شده در ۷ خرداد ۱۴۰۳، از <https://dana.ir/1031495>

۱۳۹۵۱۱۲۷ / شاخه سبز (۱۳۹۵). نشست کتابخوان رسانه و ارتباطات برگزار شد. بازیابی شده در ۱ خرداد ۱۴۰۳، از <https://shakhesabz.ir/news/17004/%D9%86%D8%B4%D8%B3%D8%AA-%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8%E2%80%8C%D8%AE%D9%88%D8%A7>

۱۳۹۶۱۲۱۷ / خبرگزاری پانا (۱۳۹۶). تشکیل چهارمین نشست کتابخوان ویژه با محوریت نوسودان. بازیابی شده در ۸ خرداد ۱۴۰۳، از <https://www.pana.ir/fa/tiny/news-805089>

۱۳۹۷۱۰۲۵ / یزد فردا (۱۳۹۷). نشست کتابخوان «سلامت» در کتابخانه حضرت زهرا (س) یزد برگزار شد. بازیابی شده در ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۳، از

<https://yazdfarda.ir/yazdfarda/news/af/148708/%D9%86%D8%B4%D8%B3%D8%AA-%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8%E2%80%8C%D8%AE%D9%88%D8%A7>

۱۳۹۷۱۰۲۷ / جماران (۱۳۹۷). نشست کتابخوان مدرسه در اردکان برگزار شد. بازیابی شده در ۱۱ خرداد ۱۴۰۳، از <https://www.jamaran.news/fa/tiny/news-1098573>

- ۱۳۹۸۰۸۳۰ / پایگاه خبری تحلیلی باز باران (۱۳۹۸). نشست کتابخوان فرهیختگان گیلان برگزار شد. بازیابی شده در ۱۱ خرداد ۱۴۰۳، از
<https://bazbarankhabar.ir/%d9%86%d8%b4%d8%b3%d8%aa-%da%a9%d8%88%d8%a7%d9%86>
- ۱۴۰۰۹۱۸ / سازمان بهزیستی کشور (۱۴۰۰). محدودیت‌های جامعه، شدت معلولیت را مشخص می‌کند. بازیابی شده در ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳، از
<https://behzisti.ir/xrgj>
- ۱۴۰۱۰۲۱۱ / پایگاه خبری تحلیلی شرق نگار (۱۴۰۱). برگزاری نشست کتابخوان «دست‌های بوسپینی» در مشهد. بازیابی شده در ۴ خرداد
 ۱۴۰۳، از
<https://sharghnegar.ir/?p=4148>
- ۱۴۰۱۰۷۲۷ / مجتمع آموزشی - تربیتی هدی (۱۴۰۱). برگزاری نشست کتابخوان. بازیابی شده در ۴ خرداد ۱۴۰۳، از
<https://www.hodaschools.ir/d2/?app=content&catid=2&itemid=5749>
- ۱۴۰۲۰۸۲۴ / ایبنا (۱۴۰۲). اشتراک فکری کتاب در نشست کتابخوان، کتابداران و بانوان خانه‌دار. بازیابی شده در ۷ خرداد ۱۴۰۳، از
ibna.ir/x6gnx
- ۱۴۰۲۰۸۳۰ / آستان نیوز (۱۴۰۲). برگزاری نشست کتابخوان در فرهنگسرای امام رضا (ع) سبزوار. بازیابی شده در ۴ خرداد ۱۴۰۳، از
<https://news.razavi.ir/fa/348876/%D8%A8%D8%B1%DA%AF%D8%B2%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D8%B1%D8%B6%D8%A7%D8%B9->